

نفت از خلیج فارس به غرب است، چراکه نفت رگ حیاتی اقتصاد کشورهای صنعتی و بسیاری از متحدان آمریکاست.

حملات عراق به کشورهای ایران و کویت در کنار فضا سازی تبلیغاتی - سیاسی کنونی، و استراتژی نظامی جدید آمریکا در این منطقه، این دیدگاه را تقویت می کند که احتمال بروز مناقشات و تنشهای نظامی در منطقه نه تنها از بین نرفته است بلکه همچنان به قوت خود باقی است.

بر اساس این سابقه تاریخی و همچنین در شرایطی که شاهد گسترش ناتو به سوی شرق و آلوده شدن فضای امنیتی منطقه خلیج فارس با حضور نیروهای بیگانه می باشیم، عدم همکاری کشورهای اسلامی منطقه برای دستیابی به یک فرمول صلح جویانه امنیتی، بخودی خود چالشی امنیتی و استراتژیک برای منطقه خواهد بود. این چالش استراتژیک زمانی به صورت منطقی تر و واقعی تر احساس خواهد شد که تأثیرات منفی جنگهای اول و دوم خلیج فارس بر وضعیت کشورهای منطقه و بعضاً خارج از منطقه را به خاطر بیاوریم.<sup>۱</sup>

از اینجاست که ضرورت همکاری کشورهای منطقه خلیج فارس برای رسیدن به یک اتحادیه امنیتی مشترک با هدف حفظ و حراست از صلح و منافع کشورهای منطقه آشکار می شود. اما رسیدن به چنین اتحاد نظری با موانع و مشکلاتی روبروست که مهمترین آنها را در زیر بررسی می کنیم.

### ۱- اختلافات ارضی و مرزی

اختلافات ارضی و مرزی میان کشورهای حوزه خلیج فارس پدیده جدیدی نیست و ریشه آن به چند دهه گذشته بازمی گردد. اینگونه اختلافات میان کشورهای منطقه خلیج فارس زیاد است بطوری که می توان گفت تمام کشورهای منطقه با یکدیگر مشکل مرزی دارند. بی تردید این اختلافات مانع از گسترش همکاری مفیدتر میان این کشورها می شود.

با وجود این، هیچکدام از این اختلافات در سطح قابل مقایسه با اختلاف موجود بر سر جزایر سه گانه مطرح نشده است و همین

برای شکل گیری اتحادیه منطقه ای در خلیج فارس شرایطی لازم است؛ شرایطی که باعث تداوم و استحکام بیشتر چنین اتحادیه ای می شود. اما در حال حاضر شکل گیری چنین اتحادیه ای با موانع و مشکلات عمده ای روبروست که مهمترین آنها را می توان چنین برشمرد:

عدم توازن قدرت نظامی کشورهای حوزه خلیج فارس، ناهماهنگی ساختاری، وجود دیدگاههای متفاوت نسبت به امنیت و دشمن مشترک، اختلافات سیاسی و تاریخی و مخالفت قدرتهای بزرگ با تشکیل اتحادیه.

با توجه به مسائل یاد شده می توان گفت که در حال حاضر به دلیل نبود شرایط مناسب امکان تشکیل اتحادیه منطقه ای میان این کشورها وجود ندارد، و حتی در صورت تشکیل، با خطر از هم پاشیدگی مواجه خواهد بود.

در پایان مقاله با توجه به موارد مطروحه پیشنهادهایی برای نزدیکی هر چه بیشتر کشورهای منطقه خلیج فارس در جهت دستیابی به ترتیبات امنیتی شایسته، ارائه خواهد شد.

\*\*\*

### مقدمه

از دیدگاه ژئوپولیتیک، منطقه خلیج فارس از جمله مناطقی است که به دلیل وابستگی جهان به ذخایر و ثروتهای آن و برخورداری از نقش استراتژیک در تحولات جهانی دارای اهمیت زیادی است.

منطقه خلیج فارس با داشتن ۲۳۰ هزار کیلومتر مربع مساحت، ۵۶۵ میلیارد بشکه نفت (۶۵ درصد از ذخایر نفتی جهان) و ۳۰/۷ تریلیون متر مکعب گاز (۲۴ درصد از کل ذخایر گاز طبیعی جهان) را در خود جای داده است. از سوی دیگر حدود ۲/۳ نفت مورد نیاز غرب، ۴/۵ نفت مورد نیاز ژاپن و بخش قابل توجهی از نیازهای نفتی آمریکا از این منطقه تأمین می گردد. از این رو این منطقه برای آمریکا و متحدانش اهمیت بسیار دارد و آنها ادعا می کنند که در این بخش از جهان «منافع حیاتی» دارند.

آمریکا برای راه انداختن چرخ واحدهای صنعتی خود و متحدانش نیازمند کنترل جریان

# اتحادیه منطقه ای خلیج فارس، موانع و مشکلات شکل گیری

احمد حیدری عبدی

عضو هیأت علمی موسسه پژوهش

و برنامه ریزی آموزش عالی

نشان‌دهنده نقش کشورهای خارجی در این مسئله است.

امارات متحده عربی نسبت به جزایر ایرانی تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی ادعای مالکیت دارد و حتی در سال ۱۹۹۲ تهدید کرد که ایران را برای بار دوم به شورای امنیت سازمان ملل خواهد کشانید. در حالی که مالکیت ایران بر این جزایر قانونی است ولی کشورهای عرب همسایه از قبول آن طفره می‌روند و در مواقع بحرانی سعی می‌کنند تبلیغات منفی گسترده‌ای علیه ایران به راه اندازند و این کشور را منزوی نمایند. آنها حتی سعی می‌کنند مشکلاتی را که بر سر این جزایر وجود دارد، به حوزه عمیقتری از اختلافات اعراب و ایران منتقل سازند.

از سوی دیگر عراق از زمان عبدالکریم قاسم تاکنون نسبت به کویت ادعای ارضی داشته است و این کشور را یکی از استانهای خود می‌داند. این ادعاها تا آنجا پیش رفت که عراق در سحرگاه دوم اوت ۱۹۹۰ ظرف چند ساعت کویت را به اشغال خود درآورد و چند روز بعد (۸ اوت ۱۹۹۰) آن کشور را رسماً ضمیمه خاک خود نمود.

از این گذشته، عراق نسبت به بخشهایی از شمال شرقی عربستان سعودی مطامع ارضی دارد. این ادعاها و مشخص نشدن خطوط مرزی دو کشور باعث شد که عربستان برای تثبیت مرزهای موجود در سال ۱۹۷۸ شروع به احداث شهرکهایی مسکونی در مناطق مرزی خود با عراق نماید. از این میان می‌توان از شهرک ملک خالد که می‌تواند ۷۰ هزار نفر نیروی نظامی را در خود جای دهد، نام برد. عربستان در همان سال اقدام به ساختن پادگانهای حفرالباطن در شمال شرقی این کشور و در ۴۰ کیلومتری مرز خود با عراق کرد.<sup>۲</sup> عراق همچنین نسبت به ارون رود ادعای مالکیت دارد.

عربستان نیز با کشورهای همسایه خود اختلافات ارضی و مرزی دارد. این ادعاها در راستای رؤیاهای دیرین سعودی‌ها در زمینه استیلا بر تمام جزیره‌العرب می‌باشد.<sup>۳</sup> این کشور با کویت بر سر جزایر «ام المرادم و قروه» که به ترتیب در فاصله ۱۷ و ۴۰ کیلومتری

ساحل ناحیه بیطرف واقع شده‌اند، اختلاف دارد. عربستان در سال ۱۹۷۷ به این جزایر حمله و آنها را تصرف کرد.

اختلاف دیگر عربستان و کویت مربوط به تحدید حدود فلات قاره دو کشور در خلیج فارس می‌باشد. زیرا دولت کویت مبدأ دریای سرزمینی خود را خطوط مستقیمی می‌داند که پیشرفته‌ترین نقاط جزایر بویان، فیلکه و عوهه را بهم متصل می‌کند. اما این رویه با مخالفت دولت سعودی روبرو شده است و مطمئناً تا زمانی که توافقی بین این دو دولت در این زمینه به وجود نیاید، انعقاد موافقتنامه‌ای برای تقسیم فلات قاره امکان‌پذیر نخواهد بود.<sup>۴</sup>

میان عربستان، ابوظبی و عمان نیز بر سر واحه بوریمی منازعات و کشمکشهایی وجود دارد، به طوری که عربستان این ناحیه را اشغال نظامی کرده است. در مورد مرزهای عربستان و عمان هیچگونه توافقی حاصل نشده است. به عبارت دیگر مرزهای میان دو کشور هنوز مراحل اولیه تعیین حدود روی نقشه را نیز طی نکرده است. این مرزها حدود ۷۲۵ کیلومتر طول دارد و از مناطق صحرایی و غیرمسکونی عبور می‌کند. هر چند عربستان و عمان در سال ۱۹۸۲ موافقت کردند به کلیه مسائل ارضی خود در قالب یک پیمان امنیتی سروسامان دهند، با این حال مرزهای میان دو کشور هنوز مشخص نشده است.<sup>۵</sup>

عربستان بر قطر نیز ادعای ارضی دارد. این ادعاها باعث شد در سال ۱۹۹۲ عربستان به مرزهای قطر حمله کند. این کشور مدعی مالکیت بر ۲۳ مایل از سواحل جنوب شرقی قطر می‌باشد.<sup>۶</sup>

قطر و بحرین هم بر سر جزایر حواری و نوار زبانه با یکدیگر اختلاف دارند. این اختلافات هنوز حل و فصل نشده و تقریباً در یک سال اخیر مسکوت مانده است.

قطر و ابوظبی نیز بر سر مالکیت جزیره حالول و چند جزیره کوچکتر اختلاف نظر دارند. این دو امیرنشین همچنین در مورد آبهای ساحلی فلات قاره و حتی بندر نفتی ام‌السعید با یکدیگر اختلاف دارند. اختلافات آنها بر سر

● در شرایطی که شاهد گسترش ناتو به سوی شرق و آلوده شدن فضای امنیتی منطقه خلیج فارس با حضور نیروهای بیگانه می‌باشیم، عدم همکاری کشورهای اسلامی منطقه برای دستیابی به یک فرمول صلح جوینانه امنیتی به خودی خود چالشی امنیتی و استراتژیک برای منطقه به شمار می‌رود.

## ۲- عدم توازن قدرت نظامی

کشورهای حوزه خلیج فارس از نظر توان نظامی (نیروهای نظامی، تجهیزات و استحکامات) کاملاً با یکدیگر تفاوت دارند. این درحالی است که دفاع جمعی ابعاد مختلف دارد و یکی از ابعاد آن توانایی فردی کشورهای همسایه در دفاع از خود و بعد دیگر آن دفاع جمعی آنهاست که بتوانند با همکاری یکدیگر در مقابل متجاوز بایستند.

امروزه ایران و عراق از نظر توان نظامی قوی ترین کشورهای منطقه خلیج فارس هستند. اما کل نیروهای مسلح کشورهای عضو شورای همکاری به حدود ۲۰۰ هزار نفر می‌رسد. به علاوه اکثر نفرات ارتش این کشورها خارجی هستند. برای مثال از ۱۱۰۰ افسر ارتش عمان، ۷۰۰ نفر خارجی هستند. ارتش عربستان نیز دارای ۱۰۰ هزار سرباز خارجی است که عمدتاً پاکستانی هستند.

کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بواسطه کمبود کمی و کیفی نیروی انسانی و نداشتن تجربه جنگی در سطح ایران و عراق از قدرت عملیات جنگی کمتری برخوردار هستند. از همین رو آنها در جریان جنگ خلیج فارس عملاً نتوانستند دستکم برای يك شبانه‌روز هم که شده در مقابل تهاجم عراق به کویت از این کشور دفاع نمایند به طوری که نیروهای عراقی ظرف چند ساعت این کشور را به تصرف خود در آوردند.

ناتوانی اعضای شورای همکاری خلیج فارس از مقابله با تجاوز عراق باعث شد که عربستان و سایر کشورهای همپیمانانش ظرف سالهای اخیر میلیاردها دلار صرف تهیه تجهیزات پیشرفته نظامی نمایند.

این کشورها بویژه عربستان اقدام به اجرای پروژه‌های وسیع و عظیم شامل احداث پایگاههای نظامی زمینی، دریایی و هوایی در خاک خود نمودند. عربستان خود را مجهز به انواع مختلف وسایل و تجهیزات نظامی اعم از زمینی شامل توپخانه، تانک، زره‌پوش و سایر تجهیزات، هوایی نظیر هواپیماهای شکاری

بمب افکن اف-۱۵، انواع رادارها، سیستم موشکی، رادارهای پرنده (آواکس)، و دریایی شامل انواع کشتیهای جنگی، ناوچه‌های موشک‌انداز و هلیکوپترهایی که کاربرد دریایی دارند، نمود<sup>۷</sup>. عربستان به تنهایی ۴۰ موشک دوربرد دارد که از مجموع موشکهای دوربرد همه کشورهای خلیج فارس بیشتر است<sup>۸</sup>. سایر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نیز به تناسب توان مالی، خود را مجهز به تجهیزات نظامی یاد شده کرده‌اند.

ضربه پذیری عربستان، کویت و سایر اعضای شورای همکاری خلیج فارس در مقابل عراق این امر را به اثبات رسانید که هر اندازه هم که این کشورها خود را به پیشرفته‌ترین سلاحها مجهز کنند، باز به دلایل گوناگون تلاش آنها برای مقابله با قدرتهای بزرگ منطقه ناکام خواهد بود. از این رو باید توجه داشت که سلاحها و تجهیزات تحویلی به این کشورها صرف نظر از نبود ظرفیت کمی پذیرش آنها، از نظر کیفی نیز خارج از ظرفیت اجتماعی و توان نظامی این کشورهاست و همین کاربرد این تجهیزات را برای این کشورها با مشکل مواجه می‌سازد. برای نمونه، آواکسهای واگذار شده به عربستان عملاً توسط مستشاران و نظامیان آمریکایی هدایت می‌شوند. اداره سیستمهای پیچیده راداری و موشکی خارج از توان پرسنل نظامی کشورهای یاد شده است و سالها وقت لازم است تا آنها آموزشهای لازم را در این زمینه فراگیرند<sup>۹</sup>.

مشکل دیگری که در این رابطه باید بدان توجه کرد این است که به دنبال مشارکت کشورهای مختلف در بیرون راندن عراق از کویت، اعضای شورای همکاری خلیج فارس برای ادای دین به آنها مبادرت به خرید انواع جنگ افزار از این کشورها کرده‌اند. این امر منجر به شکسته شدن هماهنگی تسلیحاتی و ابزاری در میان کشورهای عضو شورا شده و به ناچار نیاز به مستشاران خارجی در این کشورها را بیشتر کرده است.

این اقدامات باعث وابستگی نظامی-امنیتی بیشتر اعضای شورای همکاری خلیج فارس به

● بحران اشغال کویت، ناتوانی شورای همکاری خلیج فارس از حل این بحران با اتکا به قومیت عربی، و درخواست کمک این شورا از آمریکا و سایر متحدانش به روشنی نشان داد که این پیمان قادر به حفظ امنیت و ثبات منطقه خلیج فارس نیست.

آمریکا و سایر قدرتهای بزرگ شده و ضمن استقلال‌زدایی از این کشورها، با تمایل فزاینده ایران به همکاری با يك شورای متکی به خود نیز تعارض پیدا کرده است.

درواقع ضعف نظامی دولتهای عضو شورای همکاری آنها را بیش از آن وابسته به تضمینهای امنیتی غرب ساخته است که بتوانند راه‌حلی منطقه‌ای را برای مسائل امنیتی بپذیرند. در این کشورها پلیس و قدرتهای امنیتی که هنوز توسط مشاوران خارجی هدایت می‌شوند، همچنان بزرگترین نقطه اتکا برای حفظ وضع موجود هستند.<sup>۱۰</sup>

### ۳- دیدگاههای متفاوت نسبت به امنیت و دشمن مشترك

کشورهای حوزه خلیج فارس دیدگاه یکسانی نسبت به امنیت و دشمن مشترك ندارند. ایران و عراق، آمریکا را دشمن خود می‌دانند ولی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بویژه کویت و عربستان چنین نظری ندارند.

آمریکا با اعلام سیاست «مهار دو جانبه» و اعلام محدودیت برای شرکتهای خارجی مایل به سرمایه‌گذاری در ایران و نیز اعلام تحریمهای تجاری بر ضد ایران و عراق به اصطلاح در صدد مهار این دو کشور برآمده است. سایر کشورهای عرب حوزه خلیج فارس عمدتاً در زمینه مسائل سیاسی و نظامی از حمایت آمریکا و دیگر کشورهای غربی برخوردارند.

اکنون نیز حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس به دامنه این اختلاف‌نظرها، افزوده است. گرچه این حضور گسترده نظامی با بهانه لزوم جلوگیری از تجدید خطر عراق برای کویت و عربستان توجیه می‌شود، اما در عمل باعث تقویت اعتماد به نفس کاذب کشورهای کوچک در برابر کشورهای بزرگتر منطقه شده است. بهترین نمونه این اعتماد به نفس کاذب ناشی از ادامه حضور نظامی بیگانگان در منطقه و ابراز پشتیبانی يك جانبه و خطرناک از آنها، جنجال بزرگی است که امارات در سال ۱۹۹۲ علیه حاکمیت ایران بر جزایر ابوموسی و دو تنب به راه انداخت. در واقع اقدام غیرمنتظره امارات آشکارا بر این باور استوار بود که از

پشتیبانی بی چون و چرای قدرتهای مغرب زمین برخوردار خواهد شد. به عبارت دیگر، ادامه و گسترش حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس توازن استراتژیک منطقه را به کلی دگرگون ساخته است؛ توازی که مهمترین عامل ثبات و امنیت در هر منطقه‌ای است.<sup>۱۱</sup>

شیخ جابر الاحمد الصباح امیر کویت بازگشت دوباره خود به سلطنت را مدیون سیاستهای آمریکا و این کشور را ناجی تاج و تخت خود می‌داند، ولی دولت جمهوری اسلامی ایران و عراق چنین دیدگاهی ندارند. کویت همچنین رژیم بعثی عراق را عامل خطرناکی برای امنیت خود و منطقه می‌داند و تاکنون هیچ‌گونه وساطتی را برای آشتی با عراق نپذیرفته است.

### ۴- مخالفت آمریکا و قدرتهای بزرگ با تشکیل اتحادیه

تأیید از جنگ جهانی دوم، آمریکا نقش و نفوذ گسترده‌ای در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس نداشت؛ اما پس از آن بتدریج شروع به نفوذ در منطقه کرد و در صدد برآمد که کشورهای واقع در این منطقه را با سیاستهای ضد کمونیستی خود هماهنگ سازد. اکنون نیز آمریکا سیاست خود را بر پایه اسطوره‌های قدیم و میراث به جای مانده از جنگ سرد پایه‌ریزی کرده است؛ یعنی در پی متقاعد ساختن دولتهای عمده حوزه خلیج فارس به فروش نفت با قیمت بازار جهانی، اطمینان از دسترسی غرب به نفت خلیج فارس به میزان مطلوب و با قیمت مناسب، اطمینان از حضور خود و غرب در منطقه، تلاش در راه برقرار کردن صلح میان اعراب و اسرائیل، واگذاری بخشی از مسئولیت امنیت به خود آنها، گسترش روابط تجاری و اقتصادی با کشورهای منطقه و سوق دادن کشورهای منطقه به سمت و سوی مورد نظر خود است.

پس از انقلاب اسلامی، متزلزل کردن نظام جمهوری اسلامی ایران و به سازش کشاندن آن نیز از جمله دیگر سیاستهای آمریکا بوده است. در سالهای اخیر نیز سیاست «مهار دو جانبه» برای جلوگیری از گسترش نفوذ کشورهای

● کشورهای حوزه خلیج فارس دیدگاه یکسانی نسبت به امنیت و دشمن مشترك ندارند. ایران و عراق، آمریکا را دشمن خود می‌دانند ولی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بویژه کویت و عربستان چنین نظری ندارند.



ضعفهای درون سیستمی آنهاست و آنها با چنگ و دندان سعی در حفظ رژیمهای سنتی و سلطنتی خود دارند.

باید توجه داشت که بعد سیاسی امنیت اهمیت بسیار دارد ولی عراق و اعضای شورای همکاری چندان توجهی به آن ندارند. این کشورها دارای رژیمهای دیکتاتوری و مستبد می‌باشند و از توزیع قدرت سیاسی میان مردم سر باز می‌زنند. در عراق مقامات و عوامل حزب بعث قدرت را در دست دارند. عربستان را شاید به جرأت بتوان تنها کشور دنیا دانست که بطور کامل در ملکیت یک فامیل قرار دارد. در سایر کشورهای عرب منطقه خلیج فارس نیز تقریباً حکومت قبیلہ‌ای برقرار است.

در این کشورها آزادی مطبوعات و افکار عمومی معنایی ندارد. در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس آزادی زنان معنی ندارد و زنان حتی از حق رأی محرومند. این در حالی است که از نظر سیاسی، دولتی با ثبات و پایدار است که فرهنگ سیاسی مردم را رشد دهد و آنها را در امور سیاسی و تعیین سرنوشت خود شرکت دهد. اما با این همه طی سالهای اخیر میزان درک و آگاهی سیاسی و اجتماعی مردم منطقه خلیج فارس بالا رفته است و آنها خواهان مشارکت سیاسی می‌باشند. طبقات روشنفکر و تحصیلکرده، دولت و اولیای امور را در مورد چگونگی مصرف منابع کشور مورد پرسش قرار داده‌اند. این افراد می‌خواهند بدانند که منابع و امکانات کشورشان به چه مصرفی می‌رسد؟<sup>۱۲</sup>

با توجه به این مسائل است که می‌توان گفت تحولات سیاسی و اجتماعی در کشورهای عرب حوزه خلیج فارس در آینده نه چندان دور حتمی است و شاید بی‌ثباتی در این کشورها و منطقه را در پی بیاورد.

امیران کشورهای حوزه خلیج فارس قادر به حفظ شرایط موجود برای مدتی طولانی نخواهند بود. حمایت‌های آمریکا و غرب از این کشورها نیز بیشتر در جهت ممانعت از تجاوزهای فرامرزی خواهد بود تا جلوگیری از تنش‌های داخلی. در حالی که تهدیدهای داخلی را نمی‌توان نادیده گرفت. در این کشورها رشد

ایران و عراق به خط‌مشی‌های قبلی افزوده شده است. اکنون آمریکا با استقرار ناوگانه‌های خود در اطراف خلیج فارس مدعی است که به طور یکجانبه امنیت را در خلیج فارس برقرار می‌کند. سیاست کشورهای غربی نیز بر اصل هموار ساختن راه دسترسی شرکت‌های نفتی به منابع این منطقه استوار است. سیاستمداران غربی معتقدند انعقاد اتحادیه منطقه‌ای باعث تسلط ایران یا عراق بر این پیمان خواهد شد و این امری نیست که خوشایند آمریکا باشد. برخی سیاستمداران آمریکایی می‌گویند آمریکا در این سوداست که با توسل به زور از به وجود آمدن هرگونه قدرت مسلط بویژه آنها که تهدیدی برای ثبات جهانی محسوب می‌شوند، در هر گوشه از دنیا جلوگیری کند. این موضوع بطور ضمنی ادامه نقش آمریکا را به عنوان نخستین عامل امنیتی در خلیج فارس و ادامه حضور این کشور را به عنوان سمبلی از تعهد امنیتی آمریکا نسبت به جهان می‌رساند. از جهاتی نیز می‌توان این را به منزله حفظ استیلای آمریکا بر خلیج فارس توصیف کرد.

از آنجا که دخالت آمریکا در خلیج فارس افزایش یافته است، نیاز به خدمه، تسلیحات و تدارکات بیشتری در آینده وجود خواهد داشت. وانگهی آمریکا برای کسب اعتبار جهانی تلاش می‌کند کشورهای کوچک منطقه را نسبت به حمایت خود مطمئن سازد و خود را تنها تضمین‌کننده امنیت دولتهای منطقه معرفی نماید. نتیجه اینکه آمریکا با اتحادیه‌ای که مخالف اهداف توسعه طلبانه‌اش باشد، به شدت مقابله خواهد کرد و بعید است اتحادیه منطقه‌ای را بپذیرد که خود زمام امور آن را در دست نداشته باشد.

## ۵- ناهماهنگی ساختاری

کشورهای منطقه خلیج فارس دارای نظام‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی متفاوتی می‌باشند. طبیعی است که نظام‌های متفاوت باعث ایجاد دیدگاه‌های متفاوت نسبت به مسائل داخلی و خارجی خواهد شد.

در کشورهای عضو شورای همکاری اصلی‌ترین منبع نگرانی‌های امنیتی برخاسته از

● ادامه و گسترش حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس، توازن استراتژیک منطقه را به کلی دگرگون ساخته است؛ توازنی که مهم‌ترین عامل ثبات و امنیت در هر منطقه‌ای است.

اسلامی در این کشورهاست. آنها همچنین سیاستهای ایران در جهت حمایت از اسلام‌گرایان و نهضت‌های آزادیبخش را تهدیدی برای خود می‌دانند.

۴- اختلافات قبیله‌ای، سیاستهای اعضای شورای همکاری خلیج فارس در مقابل ایران و عراق و مذاکرات صلح خاورمیانه، روابط با رژیم صهیونیستی و ادامه محاصره عراق توسط شورای امنیت سازمان ملل و آمریکا، از جمله دیگر چالشهایی است که فراروی کشورهای منطقه خلیج فارس قرار دارد و مانع از گسترش همکاری و تلاش برای ایجاد اتحادیه منطقه‌ای شده است.

### پیشینه اتحادیه منطقه‌ای در خلیج فارس

تلاشهایی که تاکنون برای ایجاد اتحادیه در منطقه خلیج فارس به عمل آمده به شکست انجامیده است. تفکر همکاری منطقه‌ای به دنبال خروج انگلستان از منطقه خلیج فارس مطرح شد. در سال ۱۹۷۰ آمریکا در صدد برآمد با ایجاد اتحادیه منطقه‌ای در خلیج فارس از منافع خود و غرب در این منطقه حفاظت نماید. در این زمان به علت خاطرات تلخی که مردم آمریکا از جنگ ویتنام داشتند، افکار عمومی آن کشور و به پیروی از آن دولتمردان آمریکا حاضر به دخالت مستقیم و حضور در مناطق مختلف جهان نبودند. براین اساس ریچارد نیکسون رئیس‌جمهور وقت آمریکا در سال ۱۹۷۰ دکتترین خود را مطرح کرد که طبق آن متحدان آمریکا در منطقه می‌بایست خود وظیفه امنیت در منطقه را به دست گیرند. از این رو آمریکا تفکر همکاریهای دفاعی را میان متحدان خود گسترش داد.

شاه نیز که می‌دید ایجاد یک اتحادیه منطقه‌ای، حاکمیت او را به عنوان قدرت مسلط منطقه تثبیت خواهد کرد، با توجه به دکتترین نیکسون، پیشنهادی برای تشکیل یک اتحادیه امنیتی در خلیج فارس با شرکت همه کشورهای منطقه ارائه داد. استدلال وی این بود که اگر هر یک از کشورهای کرانه خلیج فارس از ترتیبات امنیتی منطقه کنار گذاشته شوند، آن ترتیبات نه تنها کامل نیست، بلکه عاملی برای تحریک علیه

سریع مدرنیزاسیون که با دلارهای نفتی حاصل شده، با مشارکت سیاسی مردم همراه نبوده است. صلح و آرامش منطقه‌ای به فضای باز سیاسی و فراهم بودن امکانات مشارکت سیاسی برای مردم نیاز دارد، زیرا در غیر این صورت همیشه دشمنان خارجی از خلاء ایجاد شده استفاده می‌کنند و با کمک به مخالفان داخلی باعث برهم خوردن اوضاع می‌شوند.

### ۶- سایر اختلافات

۱- شورای همکاری خلیج فارس تا حدی آرزوی ژئوپلیتیک دیرین آل سعود در زمینه تسلط بر کشورهای کوچکتر خلیج فارس را محقق می‌سازد و وجود آن می‌تواند زمینه را برای تحقق سلطه این خاندان فراهم سازد. عربستان، امارات کوچک خلیج فارس را منطقه نفوذ استراتژیک خود می‌شناسد؛ منطقه‌ای که حکومتهای آن از ساختاری مشابه ساختار حکومت سعودی برخوردارند. این حکومتها از دید ریاض آسیب‌پذیر و نیازمند حمایت گسترده‌اند. سقوط این حکومتها باعث بروز خطراتی برای حکومت ریاض خواهد شد. از این دیدگاه است که عربستان خود را موظف به اتخاذ نوعی سیاست حمایتگرانه نسبت به این شیخ‌نشینها می‌بیند.<sup>۱۳</sup> با توجه به این مسائل است که کشورهای کوچک خلیج فارس نگران تسلط یافتن عربستان بر شورای همکاری و تبدیل شدن این کشور در دراز مدت به تهدید علیه تمامیت ارضی خود می‌باشند.

۲- عربستان سعودی و کویت با اعمال سیاستهای محافظه‌کارانه سعی می‌کنند قیمت‌گذاری نفت اوپک را در دست گیرند. در حالی که این امر با سیاستهای دولت جمهوری اسلامی ایران که خواهان تعیین قیمت‌های واقعی نفت است، هماهنگی ندارد. این امر باعث کشمکشهایی میان این کشورها در طول اجلاسهای وزرای نفت کشورهای عضو اوپک شده است.

۳- پس از انقلاب اسلامی منطقه خلیج فارس حالتی آسیب‌پذیر پیدا کرده و سران این کشورها از ناحیه ایران، احساس خطر می‌کنند. این خطر عبارت از وقوع انقلابهای دیگری به سبک انقلاب

● تجارب سه دهه اخیر نشان داده است که طرح‌های پیشنهادی و اتحادیه‌های موجود امنیتی به دلایلی چون عدم حضور ایران و عراق در اتحادیه‌های موجود، مشارکت کشورهای خارج از منطقه در اتحادیه‌ها، و اتکای محض به نیروی نظامی به عنوان عامل ثبات و امنیت، از استقرار امنیت راستین در منطقه خلیج فارس ناکام مانده‌اند.

شاه و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران از هم پاشیده شد. پس از انقلاب اسلامی و حمله عراق به ایران اتحادیه‌هایی منطقه‌ای ایجاد شد که مهمترین آنها را می‌توان چنین برشمرد.

### ۱- شورای همکاری خلیج فارس

پیروزی انقلاب اسلامی، ناکامی عراق در حمله به ایران و سد کردن ایدئولوژی انقلاب اسلامی، سران کشورهای عرب خلیج فارس را به تفکر واداشت. به دنبال آن، سعودیها فرصت را برای طرح مجدد مسئله تشکیل اتحادیه منطقه‌ای مناسب یافتند. از این رو وزرای خارجه عربستان، کویت، عمان، قطر، بحرین و امارات در دیدارهایی که در روزهای ۴ و ۵ فوریه ۱۹۸۱ در ریاض داشتند، تشکیل شورای همکاری خلیج فارس را اعلام کردند. در همان دیدارها تصمیم گرفته شد که شورا چارچوبی برای هماهنگی سیاستها بین دولتهای عضو به وجود آورد که در ضمن به مسئله امنیت و ثبات در منطقه خلیج فارس نیز توجه داشته باشد.<sup>۱۹</sup>

در واقع کشورهای عضو شورای همکاری در تعقیب امنیت و ثبات منطقه‌ای مجبور شدند دست به اقداماتی در زمینه سیاست خارجی بزنند که ضعفهای آنها را جبران نماید. زیرا آنها در منطقه خلیج فارس از هر لحاظ عقب‌تر از ایران و عراق به عنوان قدرتهای بزرگ منطقه هستند. شاید بتوان گفت به همین دلیل بود که عربستان و کشورهای کوچک خلیج فارس منافع متناقض ملی خود را به نفع همکاری و هماهنگ‌سازی سیاستهای کشورهای خود کنار گذاشتند و اقدام به تاسیس شورای همکاری نمودند.

اعضای شورا به خود به عنوان يك صف‌بندی زودگذر یا انعطاف‌پذیر نمی‌نگرند، زیرا شورا نشانه‌هایی از يك سازمان امنیت دسته جمعی شبیه ناتو با طرحها و عملیات نظامی مشترك و نیز همکاری اقتصادی با يك زیربنای ایدئولوژیک مشترك در قالب محافظه‌کاری سنتی شیخ‌نشینها را داراست.<sup>۲۰</sup>

عمده‌ترین زمینه‌های همکاری کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بایکدیگر از ابتدا تاکنون شامل مبادله اطلاعات در موضوعات امنیتی، تشکیل شبکه دفاع هوایی، ایجاد

کشور یا کشورهای کنار گذاشته شده و سبب ناامنی در منطقه خواهد بود.<sup>۱۴</sup>

این طرح با مخالفت عربستان روبرو شد، زیرا این کشور تسلط ایران را بر این اتحادیه حتمی می‌دانست. سایر امیرنشینهای خلیج فارس نیز با بی‌میلی بدان نگرستند.<sup>۱۵</sup> عراق نیز با این طرح مخالف و طرفدار احیای يك سیستم همکاری نظامی نیمه‌رسمی و انعطاف‌پذیر بود؛ به طوری که هر يك از قوای کشورهای منطقه بتوانند تا اندازه‌ای استقلال عمل خویش را حفظ کنند.<sup>۱۶</sup> به دنبال آن سعودیها در صدد برآمدند با حمایت آمریکا يك اتحادیه امنیتی میان کشورهای جنوب خلیج فارس و بدون شرکت ایران و عراق ایجاد کنند. این طرح در واقع نقطه مقابل پیشنهاد ایران بود و از این رو آن را رد و اعلام کرد که هرگز اجازه تشکیل چنین اتحادیه ناقص و خطرآفرینی را در منطقه خلیج فارس نخواهد داد.

پس از آن آمریکادکترین نیکسون را که به سیاست دوپایه‌ای (دوستونی) معروف شد، با منزوی ساختن رژیم بعثی عراق و مشارکت ایران و عربستان سعودی به عنوان دو کشور برتر منطقه و وابسته به آمریکا به مورد اجرا گذاشت. این دکترین که عبارت از حفظ امنیت خلیج فارس توسط دولتهای منطقه (ایران و عربستان) و همکاری شیوخ امارات با یکدیگر برای حفظ امنیت بود با کمک مستشاران و اسلحه‌های پیچیده آمریکا به مورد اجرا گذاشته شد.<sup>۱۷</sup> اما ایران به علت داشتن قدرت و توان نظامی بیشتر، عضویت در پیمان سنتو، دارا بودن بیش از ۲۵۰۰ کیلومتر مرز مشترك با اتحاد جماهیر شوروی سابق و اهمیت ژئوپلیتیکی آن برای آمریکا خیلی مهمتر از عربستان سعودی بود.<sup>۱۸</sup> از این رو آمریکا برای حفظ امنیت و ثبات در منطقه و حفظ منافعش به ایران بیشتر اهمیت داد. این امر به ویژه پس از سرکوبی جنبش چپ‌گرای ظفار که باعث نگرانی مقامات آمریکا شده بود، بارزتر شد. از این رو با حمایت نیکسون و کیسینجر سیل کمکهای نظامی و سلاحهای پیچیده و مدرن به ایران سرازیر شد و شاه به صورت ژاندارم منطقه درآمد.

دکترین نیکسون تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران در منطقه مورد اجرا بود و با سقوط

● اختلافات قبیله‌ای، سیاست‌های اعضای شورای همکاری خلیج فارس در مقابل ایران و عراق و مذاکرات صلح خاورمیانه، روابط با رژیم صهیونیستی و ادامه محاصره عراق توسط شورای امنیت سازمان ملل و آمریکا از جمله چالش‌های فراروی کشورهای منطقه خلیج فارس است که مانع از گسترش همکاری و تلاش برای ایجاد اتحادیه منطقه‌ای شده است.

نیروهای واکنش سریع، انجام مانورهای نظامی و گسترش همکاریهای تجاری و اقتصادی بوده است. در عین حال و بویژه در زمان جنگ تحمیلی، اعضای شورای همکاری، آمریکا را تضمین کننده ثبات، امنیت و حتی حکومت خود می‌دیدند و در این راستا سعودیها به طور رسمی پس از انقلاب اسلامی خواهان ارائه تضمینهای بیشتری از سوی آمریکا شدند. باید توجه داشت که شورای همکاری خلیج فارس تاکنون در رسیدن به اهداف خود موفق نبوده است که عمده‌ترین دلایل آن را می‌توان چنین برشمرد:

۱- شورای همکاری طی ۱۸ سال اخیر همواره از شناخت دوست و دشمن خود عاجز بوده است. حمایت وسیع و گسترده مالی، تدارکاتی، اقتصادی و سیاسی از عراق در جریان جنگ با ایران بارزترین جلوه همبستگی آنها در چارچوب پدیده «قومیت عرب» بود. اما آنها زمانی به اشتباه خود پی بردند که عراق، کویت را اشغال کرده و موجودیت آنها را در معرض تهدید قرار داده بود.

در بحران اشغال کویت، آنها نتوانستند با استفاده از پدیده قومیت عربی که همواره بدان می‌بایند، این مسئله را حل کنند و با درخواست کمک از آمریکا و سایر متحدانش نشان دادند که این پیمان قادر به حفظ امنیت و ثبات منطقه خلیج فارس نیست.

۲- در تحلیل استراتژیهای واشینگتن، نیروهای واکنش سریع آمریکا برای مداخله وارد شدن در گیربهای گسترده و پیچیده طراحی شده است. نیروهای واکنش سریع شورای همکاری نیز برای کنترل درگیریهایی با ابعاد کوچکتر و نیز سرکوبی جنبشهای داخلی یا منطقه‌ای در نظر گرفته شده است. اما همانطور که حوادث مختلف از جمله رویدادهای داخلی عربستان نشان داد، این پیمان نتوانست بر حوادث داخلی کشورهای عضو شورا پیروز شود و به ناچار برای کنترل اوضاع باز متوسل به نیروهای خارجی شد.

## ۲- بیانیه دمشق

با آغاز و ادامه بحران کویت در سالهای ۹۰-۱۹۹۰ فکر تشکیل ترتیبات امنیتی برای منطقه خلیج فارس ابعاد تازه‌ای یافت. در مارس

۱۹۹۱ یعنی اندک پس از جنگ دوم خلیج فارس محوری بنام «بیانیه دمشق» میان اعضای شورای همکاری و کشورهای مصر و سوریه برای همکاری مشترک به وجود آمد. این بیانیه مصر و سوریه را به عنوان دو کشور قدرتمند عرب شریک امنیتی اعراب خلیج فارس معرفی کرد.

به موجب این بیانیه مقرر شد کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به کشورهای مصر و سوریه به منظور توسعه اقتصادی این کشورها کمک کنند و مصر و سوریه در ازای این کمکها در مواقع لازم نیروی نظامی به کشورهای جنوب خلیج فارس اعزام نمایند تا از امنیت این کشورها دفاع کنند. دو ماه از تاریخ امضای بیانیه (دمشق ۶+۲) نگذشته بود که کویت با امضای یک پیمان نظامی دوجانبه و مستقیم با آمریکا، این بازی را به کلی درهم ریخت و به حضور نظامی آمریکادر خلیج فارس مشروعیت بخشید. پس از آن دیگر اعضای شورا از کویت پیروی کردند و با امضای پیمانهای نظامی به حضور آمریکا در خلیج فارس جنبه قانونی دادند.<sup>۲۱</sup>

به دنبال آن، کشورهای کویت، بحرین، قطر و امارات برای حراست از امنیت خود با کشورهای آمریکا، انگلستان، فرانسه و روسیه قراردادهای دوجانبه همکاری نظامی و امنیتی منعقد ساختند. با امضای این قراردادها که در حقیقت موجد نوعی تحت‌الحمایگی مدرن است، حضور نظامی این کشورها در خلیج فارس - در هوا، زمین و دریا - توسعه یافته و پوشش امنیتی آمریکا و سایر کشورهای متحد آن جایگزین پوشش امنیتی اعراب شده است. براین اساس، بیانیه دمشق متزلزل شد و در دسامبر ۱۹۹۳ خبر لغو نهایی بخش امنیتی آن اعلام گردید.<sup>۲۲</sup>

## علل ناکامی اتحادیه‌های منطقه‌ای

تجارب سه دهه اخیر نشان داده است که طرحهای پیشنهادی و اتحادیه‌های موجود امنیتی بنا به دلایل زیر در جلب نظر کشورهای منطقه خلیج فارس و استقرار امنیت ناکام بوده‌اند:

● در پرتو برگزاری موفقیت آمیز اجلاس سران کشورهای اسلامی در تهران فرصت مناسبی برای ایران به دست آمد تا با برقراری روابط دوستانه و مبتنی بر همکاری‌های اقتصادی و فنی با کشورهای عرب حوزه خلیج فارس بار دیگر نقش برتر خود را در غرب آسیا به دست آورد.



## ۱- عدم حضور ایران و عراق در اتحادیه‌های موجود

اعراب و به طور کلی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، ایران را به عنوان يك عضو خودی منطقه نمی‌دانند و همیشه در مقابل آن حساسیت نشان داده‌اند. برای مثال، ایران زمان شاه يك قدرت نظامی مهم در منطقه بود و علاوه بر آن روابط حسنه‌ای با شیخ‌نشین‌های خلیج فارس داشت، با وجود این آنها نه تنها حاضر نشدند در ترتیبات امنیتی که شاه پیشنهاد کرده بود شرکت کنند، بلکه در صدد ایجاد اتحادیه‌ای بدون ایران و عراق برآمدند.

همچنین کشورهای عرب حوزه خلیج فارس اتحادیه‌های موجود (شورای همکاری خلیج فارس و بیانیۀ دمشق) را بدون حضور ایران و عراق تشکیل دادند؛ در صورتی که بیش از نیمی از خلیج فارس به ایران تعلق دارد و این کشور بیشترین سواحل و همچنین حساسترین نقاط استراتژیک خلیج فارس را در اختیار دارد. تنگۀ هرمز تنها راه ورود و خروج خلیج فارس در اختیار ایران است و کنار گذاردن ایران از سازمان امنیتی منطقه اشتباهی بزرگ است.

عراق نیز به عنوان یکی از دو قدرت مهم منطقه در اتحادیه‌های موجود عضویت ندارد و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس به دلیل اهداف توسعه طلبانه رژیم حاکم بر این کشور و نیز ایدئولوژی آن، حاضر به پذیرش این کشور به عنوان یکی از اعضای اتحادیه‌های امنیتی نیستند.

## ۲- مشارکت کشورهای خارج از منطقه در اتحادیه‌ها

کشورهای حوزه خلیج فارس با دعوت از کشورهای مصر و سوریه نشان دادند که هنوز هم حاضر به پذیرش منافع مردم منطقه نیستند. زیرا مصر و سوریه در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس قدرتهای بیگانه‌ای محسوب می‌شوند و در منافع اقتصادی، سیاسی و امنیتی آن ذینفع نیستند. آیا کشورهای خارج از منطقه حاضرند از منافع مردم منطقه دفاع نمایند؟

## ۳- نیروی نظامی به تنهایی ضامن امنیت نیست

باید توجه داشت که امنیت واقعی تنها از

طریق نیروی نظامی تأمین نمی‌شود. برای نمونه، نظامی‌گری ایران در زمان شاه پیامدهایی به دنبال داشت که منجر به سقوط او شد. ایران در آن زمان و در چارچوب جنگ سرد یعنی در عرصۀ رقابت دو ایدئولوژی حاکم بر جهان و دو ابرقدرت جایگاه ویژه‌ای داشت و نقش ژاندارمی منطقه را برعهده داشت. عراق و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نیز طی سالهای اخیر روند نظامی‌گری را ادامه دادند. اما ناکامی عراق در حمله به ایران، ناتوانی شورای همکاری خلیج فارس در مقابله با عراق در جریان اشغال کویت، و شکست نیروهای عراقی از نیروهای آمریکا و متحدینش نشان داد که اتکای محض به نیروی نظامی به عنوان عامل ثبات و امنیت اندیشه‌ای کاملاً نادرست است.

## پیشنهادها

با توجه به مسائل یاد شده می‌توان گفت که در شرایط موجود امکان تشکیل اتحادیه منطقه‌ای میان کشورهای حوزه خلیج فارس وجود ندارد و امید دستیابی به انسجام يك امید واهی است. تشکیل اتحادیه منطقه‌ای مستلزم کنار گذاشتن اسطوره‌ها و افسانه‌ها و بررسی بنیادین نیازهای کشورهای منطقه است که در شرایط موجود دور از دسترس می‌نماید.

بهترین امکان در حال حاضر این است که کشورهای منطقه مذاکرات دو یا سه جانبه‌ای را در جهت انعقاد موافقتنامه‌های دوستی و مودت و همکاریهای اقتصادی آغاز کنند. همکاریهای اقتصادی براساس يك نظام سالم امنیتی، تنها راه حل توسعه و ثبات منطقه است. در این راستا سرمایه‌گذارهای متقابل اقتصادی در کشورهای منطقه باید مورد توجه قرار گیرد. این اقدامات نه تنها باعث کاهش تنشهای منطقه‌ای می‌گردد، بلکه در ایجاد تفاهم سیاسی میان کشورهای منطقه نیز بسیار مؤثر خواهد بود.

این امر از آنجا اهمیت بیشتری می‌یابد که در پرتو برگزاری موفقیت‌آمیز اجلاس سران کشورهای اسلامی در تهران فرصت مناسبی برای ایران به دست آمد تا روند مناسبات خود را

● ضعف نظامی دولتهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، آنها را بیش از آن وابسته به تضمین‌های امنیتی غرب ساخته است که بتوانند راه حلی منطقه‌ای را برای مسائل امنیتی بپذیرند.

با کشورهای حوزه خلیج فارس مورد بازنگری قرار دهد. به دنبال این امر بود که ایران درصدد برآمد تا با برقرار کردن روابط دوستانه و مبتنی بر همکاریهای اقتصادی و فنی با کشورهای عرب حوزه خلیج فارس بار دیگر نقش برتر خود را در غرب آسیا به دست آورد. ایران یک قدرت مؤثر و فعال منطقه‌ای است که آینده خوبی در منطقه دارد و از این شایستگی برخوردار است که برای خود یک استراتژی منطقه‌ای با سطوح و ابعاد مختلف داشته باشد.

برای ایران، امنیت و ثبات خلیج فارس از همه مهمتر است، زیرا قسمت عمده صدور نفت و گاز این کشور از طریق این آبراه صورت می‌گیرد. این امر از آنجا اهمیت بیشتری می‌یابد که اکنون ایران در حال گذراندن دوران توسعه و سازندگی است. سرمایه‌گذارهای ایران برای توسعه شبکه راه آهن و جاده‌های کشور راه را برای دسترسی هر چه بیشتر جمهوریهای آسیای مرکزی به کشورهای خلیج فارس و بالعکس فراهم می‌سازد. همچنین کشورهای عرب حوزه خلیج فارس از طریق این خطوط مواصلاتی می‌توانند به شبکه راه‌های ارتباطی آسیای جنوب شرقی بپیوندند.

## یادداشتها

- ۱- حسن علوی، «خلیج فارس؛ راهکارهایی برای توسعه امنیت»، بخش اول، روزنامه اطلاعات، سه‌شنبه ۱۳ آبان ۱۳۷۶، شماره ۲۱۱۹۴، ص ۱۲.
- ۲- ژرار گریزیک دلاژوویه، توفان خلیج، ترجمه اسد...، مبشری و محسن مؤیدی (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۶)، ص ۱۶۷.
- ۳- اصغر جعفری ولدانی و نیلوفر حق‌شناس، «اختلافات مرزی و ارضی بین دولتهای خلیج فارس و تأثیر آن بر امنیت منطقه»، مجموعه مقالات سومین سمینار بررسی مسائل خلیج فارس (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۲)، ص ۱۰۰.
- ۴- جمشید ممتاز، حقوق دریاهای (تهران: مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشگاه تهران)، ص ۳۳.
- ۵- جعفری ولدانی و حق‌شناس، پیشین، ص ۱۰۶.
- ۶- نصر... آشتی، ساختار حکومت در عربستان سعودی (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۶)، ص ۹۱.

۷- اسماعیل سهرابی، «علاق استراتژیک و هدفهای آمریکا در خلیج فارس و تقویت نظامی کشورهای عرب منطقه»، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۸)، ص ۳۴۱.

۸- «خاورمیانه و نظم نوین جهانی»، فصلنامه خاورمیانه، سال دوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۴، ص ۲۳۵.

۹- سهرابی، پیشین، ص ۳۴۱.

۱۰- جیمز بیل، «امنیت منطقه‌ای و ثبات داخلی در خلیج فارس»، ترجمه باقر نصیری، مجموعه مقالات چهارمین سمینار خلیج فارس (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳)، ص ۶۵.

۱۱- پیروز مجتهدزاده، «نگاهی به جغرافیای سیاسی خلیج فارس در سال ۲۰۰۰»، (قسمت دوم)، فصلنامه خاورمیانه، سال دوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۴، ص ۶۴.

۱۲- «خاورمیانه و نظم نوین جهانی»، پیشین، ص ۲۳۶.

۱۳- پیروز مجتهدزاده، کشورهای مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، ترجمه و تنظیم حمیدرضا ملک محمدی نوری (تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۲)، ص ۴۸.

۱۴- همان، ص ۴۳.

۱۵- عباس ملکی و میناز ندیبه، «امنیت ملی و امنیت دستجمعی»، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۸)، ص ۵۷۷.

۱۶- جهانگیر کرمی، «مطالعه سیستم امنیت جمعی در منطقه خلیج فارس»، مجله سیاست دفاعی، سال دوم، شماره ۱، زمستان ۱۳۷۲، ص ۱۶۷.

۱۷- محمدعلی امامی، «بررسی سیر طرحهای امنیتی در خلیج فارس»، مجموعه مقالات سومین سمینار بررسی مسائل خلیج فارس، (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۲)، ص ۵۰.

۱۸- همان، ص ۴۹.

۱۹- پیروز مجتهدزاده، «نگاهی به جغرافیای سیاسی خلیج فارس در سال ۲۰۰۰»، پیشین، ص ۶۰.

۲۰- بیژن اسدی، «علاق و استراتژی آمریکا در خلیج فارس»، مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل خلیج فارس (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۸)، ص ۹۴.

۲۱- «جریان بازنگری در روند صلح خاورمیانه و آینده منطقه»، فصلنامه خاورمیانه، سال دوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۴، ص ۲۴.

۲۲- همان، ص ۲۴.

● به دنبال مشارکت کشورهای مختلف در بیرون راندن عراق از کویت، اعضای شورای همکاری خلیج فارس برای ادای دین به آنها مبادرت به خرید انواع جنگ افزار از این کشورها کرده‌اند که همین منجر به شکسته شدن هماهنگی تسلیحاتی و ابزاری اعضای شورای یادشده گردیده است.